

نیت اخلاقی (از دیدگاه کانت و اسلام)

سیده زهرا موسوی*

چکیده

یکی از مسائلی که مکاتب اخلاقی به ندرت به آن پرداخته‌اند مسأله‌ی «نیت» است. از جمله مکاتبی که این مسأله را مورد توجه قرار داده‌اند مکتب اخلاقی کانت و مکتب اسلام است.

هریک از این مکاتب با دیدگاهی خاصی به این موضوع توجه کرده‌اند و تعریفی ویژه از نیت ارائه داده‌اند، که این امر تأثیری شگرف در گستره‌ی فعل اخلاقی دارد.

«کانت» نیت فعل اخلاقی را به نیت انجام تکلیف و ادای وظیفه منحصر کرده است. این نگاه دایره‌ی فعل اخلاقی را بسیار محدود می‌کند؛ و از آنجا که مکتب او انگیزه‌ای جز ادای تکلیف را اخلاقی نمی‌داند، نمی‌تواند در افراد محرکی فعال و مؤثر برای انجام کار اخلاقی ایجاد کند.

در مقابل، اسلام با در نظر گرفتن قصد تقرب به خدا که عنوانی جامع و فراگیر برای فعل اخلاقی است سایر انگیزه‌های خیر از جمله: کمک به دیگران، رسیدن به کمال، ترس از عقاب و ... را هم در بر

* - کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی از جامعه الزهرا.

می‌گیرد. زمینه‌ای گسترده برای انجام فعل اخلاقی فراهم کرده است که افراد مختلف با کنش‌ها و انگیزه‌های متفاوت را در بر می‌گیرد؛ لذا می‌توان گفت اسلام به موضوع نیت نگاه فراگیر و جامع‌تری دارد. این تفاوت ناشی از مبانی و اصولی است که این مکاتب برای اخلاق قائل هستند.

واژه‌های کلیدی

نیت، نیت اخلاقی، اراده، انگیزه، کانت، اسلام.

مقدمه

نیت به معنای کشش و توجه نفس به هدف نهایی در انجام یک فعل، از جمله مسائلی است که در دو مکتب اخلاقی کانت و اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

موضوع نیت در متون مربوط به فلسفه‌ی اخلاق و مکتب اخلاقی کانت از جمله موضوعاتی است که همواره جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده است. از منظر اسلامی نیز در اکثر کتاب‌های اخلاقی، عرفانی و حتی فقهی، موضوع نیت و مراتب و انواع آن بحث و بررسی شده است.

البته باید به این نکته‌ی اساسی توجه داشت که نیت در هر دو دیدگاه به یک معنی نیامده، بلکه در هر کدام از این مکاتب، نیت با نگاهی ویژه مورد توجه بوده و از نظر معنی‌شناسی بررسی شده است.

صاحب‌نظران تاکنون این دو مکتب را از ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند، که گاه موضوعاتی هم به صورت تطبیقی بررسی شده است، اما تا آنجا که نگارنده در این مجال کاویده است، «نیت اخلاقی» از دیدگاه کانت و اسلام به صورت اختصاصی بررسی نشده است؛ لذا این

نوشتار به دنبال کاوش در که این موضوع را مورد کاوش قرار دهد. برای این مهم ابتدا معنای نیت و مفاهیم مرتبط با آن بررسی می‌شود و سپس دیدگاه کانت درباره‌ی نیت بیان خواهد شد و پس از آن دیدگاه اسلام در مورد نیت ارائه می‌شود. در ادامه نقاط تشابه و تمایز در این دو مکتب برجسته خواهد شد. در پایان نیز به قضاوت و نتیجه‌گیری در این باره خواهیم نشست.

الف) مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث نیت اخلاقی، لازم است درباره‌ی برخی واژه‌های مرتبط با موضوع این نوشتار توضیح داده شود.

۱. نیت

در زبان فارسی نیت را به اراده، عزم و قصد و آنچه از قصد که به دل گیرند معنی کرده‌اند؛^۱ و در اصطلاح نیز چنین آورده‌اند: نیت عبارت است از قصد و اراده‌ای که انسان را به کاری تحریک کند. از محقق طوسی نقل شده است که نیت، قصد انجام دادن فعل و واسطه‌ی بین علم و عمل است؛ زیرا تا چیزی دانسته نشود، ممکن نیست قصد شود.^۲ در تعریف دیگر، نیت را به دو معنی آورده‌اند و آنها را مکمل یکدیگر و در امتداد هم می‌دانند. آن دو معنی چنین‌اند: الف: نیت به معنای قصد تحقق بخش عنوان عمل؛ ب: به معنی انگیزه و داعی بر عمل.

در توضیح معنای اول می‌توان گفت: اگر فردی حرکاتی را انجام دهد؛ مانند: ادای احترام یا انجام عمل عبادی، ولی قصد او از انجام این حرکات صرفاً نمایش باشد و نه ادای احترام و عبادت، در این صورت

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۴۶، ص ۱۸۵.

^۲ - مشکینی، علی، درس‌های اخلاق، ترجمه: فیض، علیرضا، ص ۶۴.

عمل او به معنای واقعی ادای احترام یا عبادت شکل نگرفته است. در معنای دوم، آنچه مورد توجه قرار گرفته عاملی است که فرد را وادار به انجام کار کرده است. مثلاً برای دستگیری از یک نیازمند ممکن است انگیزه‌های مختلفی مانند جلب توجه دیگران ارضای عواطف انسانی و ... وجود داشته باشد. در این باره، آنچه موجب حرکت و عمل فرد برای کمک شده است نیت فعل محسوب می‌شود. در واقع این دو معنا در کنار هم نیت فعل را شکل می‌دهند.^۱

برای روشن شدن معنای نیت، تقسیم دیگری را نیز مطرح می‌کنیم: در این تقسیم نیت به نیت متزلزل و ثابت تقسیم می‌شود نیت متزلزل نیتی است که در اثر طغیان غرایز و هوس‌های آنی پدید می‌آید، در نتیجه پایگاهی محکم و استوار ندارد و در برابر سایر انگیزه‌ها و عوامل مؤثرتر رنگ می‌بازد. در مقابل، نیت ثابت است که منشأ آن اعتقادات و روحیات انسانی است این نوع نیت نشانه‌هایی از درون انسان را به نمایش می‌گذارد و سبب بروز و ظهور شخصیت پنهانی انسان و منشأ حرکت و عمل است.^۲

بر اساس تعاریف و تقسیم‌هایی که از نیت بیان شد، می‌توان چنین تعریفی از نیت ارائه کرد: «نیت به معنای انگیزه‌ی عمل و تحقق بخش عنوان عمل است که نشانه‌هایی از شخصیت پنهانی انسان را آشکار می‌سازد».

۲. انگیزه و انگیزش

انگیزه در زبان فارسی به معنای «سبب و باعث چیزها»، «موجب و

^۱ - مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۳۷۹.

^۲ - همان، ص ۳۹۳.

علت» است. انگیزش نیز به معنای «تحریک و ترغیب» آمده است.^۱ انگیزش چرایی رفتار را تبیین می‌کند و انگیزه چیزی است که به رفتار نیرو می‌بخشد و به آن جهت می‌دهد.^۲ انگیزه در زبان انگلیسی با لغت Motive و انگیزش با لغت Motivation مشخص شده است. انگیزش در زبان انگلیسی از Metion مشتق شده است که به معنای تحریک است.

روان‌شناسان نیز در این زمینه به نکاتی اشاره کرده‌اند. از جمله این که معتقدند انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند، با این حال می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست، به این معنی که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار و انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد.^۳

همچنین انگیزش را فرایندی درونی می‌دانند که رفتار را بر می‌انگیزد، راهنمایی می‌کند و حالت برانگیختگی را تا رسیدن به هدف استمرار می‌بخشد. این فرایند شامل دو عنصر اساسی است:

الف. عنصر درونی که شخص را به سوی عمل می‌کشاند.

ب. عنصر هدف که به عنوان پایان حالت انگیزش است.^۴

درباره‌ی علت انگیزش نیز می‌توان گفت: علت انگیزش و برانگیختگی یا امری درونی است؛ مثل: اعتقادات و گرایش‌های فرد، و یا منشأ بیرونی دارد و توسط پیامدهای بیرونی و مصنوعی کنترل می‌شود؛ مانند: جایزه و تنبیه.^۵ به‌طور کلی انگیزه‌ها نیروهای محرکی هستند که عامل حرکت انسان

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۷، مدخل انگیزه.

^۲ - آذربایجانی، مسعود و سالاری فر، محمدرضا، روان‌شناسی عمومی، ص ۵۱.

^۳ - سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورش نوین، ص ۲۳۰.

^۴ - ر.ک: آذربایجانی، مسعود و سالاری فر، محمدرضا، روان‌شناسی عمومی، ص ۵۱.

^۵ - مارشال یو، انگیزش و هیجان، ترجمه‌ی سید محمدی، صص ۱۰-۱۱.

به سوی اهداف مورد نظر می‌شوند، در او شادابی و نشاط و جنبش ایجاد می‌کنند و سبب بروز و ظهور رفتار می‌شوند. از این‌رو وظایفی مهم را در وجود انسان بر عهده دارند. او را برای برآورده کردن نیازهای اصلی زندگی و پویایی به تلاش و تکاپو وادار می‌کنند و اسباب هماهنگی و سازگاریش را با محیط فراهم می‌آورند. همچنین انگیزش رفتار انسان را به سوی هدایت می‌کند که به کسب لذت یا دفع حالت نامطلوب - چه مادی و چه معنوی - منتهی شود.

۳. اراده

معنای لغوی «اراده» خواستن، میل، قصد، آهنگ است.^۱ برای معنای اصطلاحی آن نیز دو معنی بیان شده است:

الف. به معنای خواستن و دوست داشتن چیزی؛

ب) به معنای تصمیم گرفتن برای انجام کاری.

معنای اول یکی از خصوصیات روان و قلب است که مقابل آن دوست نداشتن و نخواستن است. اراده به معنای تصمیم گرفتن بر انجام کار نیز از افعال قلبی انسان است که در پی خواست درونی به وجود می‌آید (در واقع این دو معنا در کنار هم عمل می‌کنند) و نقطه‌ی مقابل آن را با اندکی تسامح، تردید و دودلی را می‌توان برشمرد. در نتیجه، اراده در مواردی به کار می‌رود که انسان براساس آگاهی، کاری را انجام دهد؛ زیرا بدون آگاهی و توجه به چیزی ممکن نیست به آن علاقه‌مند شد و به دنبال تحقق آن بود.^۲

در حقیقت انسان همیشه تحت تأثیر نیروهای مختلفی از جمله غرایز، عواطف، نیازها و خواسته‌ها قرار دارد، اما می‌تواند خواسته‌ای را بر سایر خواسته‌ها ترجیح دهد این توانایی همان اراده است که به واسطه‌ی آن

^۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۴، مدخل «اراده».

^۲ - ر.ک: اخوان، محمد، مقایسه‌ای میان اخلاق کانت و اخلاق اسلامی، ص ۷۳.

انسان خواسته‌های خود را تعیین می‌کند و از این که مقهور نیروها و قوایی بشود که او را احاطه کرده‌اند مصون می‌ماند. با کمک این توانایی، انسان کاری را از روی اختیار انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد و از کار دیگری چشم‌پوشی کرده، آن را انجام نمی‌دهد.

- تفاوت میل و اراده

مطلبی که لازم است به آن اشاره شود مسأله‌ی میل و تفاوت آن با اراده است. میل و اراده به یک معنی نیستند، ولی اراده را بدون در نظر گرفتن میل نمی‌توان تصور کرد.

«میل در انسان یک نوع کشش به سوی یک شیء خارجی است. وقتی انسان نیازی در درون خود احساس کند و در خارج نیز پاسخ آن را ببیند، در وجود خود نیرویی احساس می‌کند که او را به سوی آن پاسخ می‌کشاند. در واقع، میل رابطه‌ی میان انسان و عامل خارجی است، ولی اراده - همان‌طور که اشاره شد - یک امر درونی و رابطه‌ای بین انسان و عالم درون است. اراده زمانی است که انسان اندیشه و محاسبه می‌کند و از میان میل‌ها یک میل را انتخاب می‌کند.»^۱

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان دریافت که هرگاه پای اراده در میان است نمی‌شود از عقل سخن نگفت؛ زیرا برای ظهور و بروز اراده، میل‌ها مورد بازشناسی و نقد و بررسی قرار می‌گیرند (که این امور از وظایف عقل است) و در نهایت منجر به تصویب و ترجیح یکی از میان همه می‌شود.

۴. رابطه‌ی نیت و انگیزه

بعد از بررسی معنای نیت و انگیزه، لازم است به رابطه‌ی میان این دو

^۱- ر.ک: مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ص ۴۷.

پرداخته شود.

با توجه به مباحثی که ذیل عناوین نیت و انگیزه گذشت، می‌توان به این نتیجه دست یافت که نیت همان انگیزه است، با این تفاوت که هر یک از این دو مفهوم در حوزه‌ای از علوم بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ مثلاً نیت در مباحث اخلاقی بیشتر مطرح شده است و از آن به عنوان «کشش و توجه شدید نسبت به غایت و هدف نهایی در انجام یک فعل» نام برده شده است؛ و البته برداشتی که از نیت می‌شود، همان بُعد درونی و معنوی آن است، اما انگیزه بیشتر در مباحث روان‌شناسی مطرح شده و از تأثیر آن در کلیه‌ی رفتارهای آدمی - چه رفتارهای زیستی مثل خوردن و خوابیدن ... و چه سایر رفتارها که بیشتر جنبه‌ی عاطفی و معنوی دارند - سخن رفته است. به عنوان نمونه، انگیزش را به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده‌ی رفتار اطلاق می‌کنند؛ و انگیزه به نیاز یا خواست ویژه‌ای که انگیزش را موجب می‌شود تعریف شده است.

در این نوشتار نقطه‌ی تلاقی این دو مفهوم مورد نظر ماست که با صرف نظر از بعضی دقت نظرهای تخصصی، روان‌شناختی و فقهی، می‌توان انگیزه و نیت را به یک معنی گرفت (نیت همان انگیزه و داعی انجام فعل است).

۵. رابطه‌ی نیت با اراده و عمل

برخی نیت را چنین تعریف کرده‌اند: نیت اراده‌ی ایجاد فعل است.^۱ و بر این اساس رابطه‌ی نیت و اراده را می‌توان چنین تفسیر کرد: نیت همان میل و خواسته‌ای است که انسان از میان میل‌ها و خواسته‌های درونی برگزیده است و با عنصر اراده این انتخاب را نهایی کرده و به آن فعلیت بخشیده است. نیت مقدمه و علت اصلی حرکت اراده است.

^۱ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ترجمه‌ی اربعین شیخ بهایی، ص ۴۲۳.

در خصوص رابطه‌ی نیت و عمل نیز می‌توان گفت که نیت مولد عمل است و بدون نیت عملی از انسان سر نمی‌زند. در واقع، نیت جان عمل است. نتیجه‌ی شکل گرفتن نیت و اراده عملی است که در خارج صورت می‌پذیرد.

نیت را می‌توان بعد درونی یک فعل دانست؛ به این صورت که انگیزه‌ی انجام فعل سبب می‌شود فرد تمام توان خود را به کار نبرد؛ در نتیجه امری تحقق می‌یابد که کیفیت و کمیت و شکل و خصوصیات مکانی و زمانی آن تابع انگیزه باشد.

ب) بررسی نیت اخلاقی از دیدگاه کانت و اسلام

انسان‌ها در زندگی خود برخی کارها را انجام می‌دهند، ولی به دنبال جلب سود و یا دفع ضرر نیستند، بلکه فقط به خاطر اخلاق و ارزش‌های اخلاقی به انجام آن اقدام می‌کنند. این امر از جمله امور معنوی مختص انسان است، البته برخی از این افعال از نظر ظاهر هیچ تفاوتی با دیگر افعال ندارند و تنها وجه تمایز آنها، نیت این افعال است. آنچه در اینجا به آن پرداخته می‌شود بررسی این مطلب است که از دیدگاه کانت و اسلام چه نیتی سبب می‌شود که کار ارزش اخلاقی پیدا کرده، فعل اخلاقی محسوب شود؟ یا به دیگر عبارت، نقش نیت در توصیف فعل به اخلاقی بودن، از منظر کانت و اسلام چیست؟

ابتدا دیدگاه کانت و در ادامه دیدگاه اسلام بررسی می‌شود.

۱. دیدگاه کانت

برای روشن شدن دیدگاه کانت، ابتدا معنای نیت و اراده‌ی خیر بررسی می‌شود؛ و در پایان معنای تکلیف و رابطه‌ی آن با نیت، قوانین و اصول اخلاقی را بیان می‌نماییم.

نیت

«نیت فعل اخلاقی» در نظریه‌ی کانت جایگاهی ویژه دارد. می‌توان گفت کانت از جمله معدود صاحبان مکاتب اخلاقی است که به لایه‌ای دیگر از فعل اخلاقی پرداخته؛ و آن «نیت فعل اخلاقی» است.

از نظر کانت نیت نقشی بنیادین در مطابقت فعل با فعل اخلاقی و توصیف آن به اخلاقی بودن دارد و هیچ فعلی را به صرف این که آن فعل در شمار افعال اخلاقی قرار می‌گیرد نمی‌توان اخلاقی دانست، بلکه شرط اصلی و مطلب مهم، نیت است. او معتقد است کاری دارای ارزش اخلاقی است که علاوه بر ظاهر اخلاقی، از جهت نیت هم شرایطی خاص داشته و به این صورت باشد که فقط به نیت ادای تکلیف عقلانی و قانون وجدان انجام شود.

اگر کاری مطابق با وظیفه باشد، ولی فاعل آن نیتی غیر از ادای تکلیف داشته باشد، از حیثه‌ی کار اخلاقی خارج شده و فاقد ارزش اخلاقی است.

از دیدگاه این مکتب هیچ‌گونه نیتی غیر از نیت ادای تکلیف برای فعل اخلاقی قابل قبول نیست و انگیزه‌های دیگر هرچه باشد - عواطف انسانی، خدمات اجتماعی، رسیدن به پاداش، ترس از مجازات و حتی بهره‌مندی از کمال - مانع می‌شود که کار وجهه‌ی اخلاقی داشته باشد. کانت در خصوص این که پاداش و مجازات نباید انگیزه‌ی کار اخلاقی باشد چنین می‌گوید:

«نه مجازات و نه پاداش هیچ‌کدام نباید به عنوان زمینه‌ی تحریک عملکردهای ما تلقی شوند. در این صورت (اگر مجازات و پاداش انگیزه‌ی فعل شود) موجب بروز صفت نوکری و بردگی در انسان می‌شود. محرک رفتار ما فقط باید محرک اخلاقی باشد. پاداش دادن نباید علت اقدام به عمل خیر باشد. ذهن باید ابتدا به خصلت اخلاقی بودن عادت کند، پیش از آن که توسط پاداش و مجازات تحریک شده باشد. پاداش و مجازات فقط می‌تواند به طور غیر مستقیم در تربیت

اخلاقی به کار رود.^۱

کتاب‌هایی که درباره‌ی دیدگاه کانت بحث کرده‌اند، از نیتی که مد نظر اوست با تعابیری همچون: وجدان، حکم عقل، تکلیف و وظیفه‌ی عقلانی یاد کرده‌اند که همه از یک چیز حکایت می‌کند: فاعل فعل را فقط به عنوان این که وظیفه و تکلیف اوست و وجداناً آن را به عنوان وظیفه می‌داند و عقل نیز به آن حکم می‌کند، انجام دهد.

با توجه به این مطالب، نیت بخش اعظم کار اخلاقی را شامل می‌شود؛ یعنی: آنچه موجب انجام کار و انگیزه و اراده‌ی فرد می‌شود باید اخلاقی و مطابق با ادای تکلیف باشد؛ در این صورت است که آن فعل به صفت اخلاقی بودن توصیف می‌شود، ولی اگر همان فعل به انگیزه‌ای دیگر انجام شود، نمی‌توان بر آن نام فعل اخلاقی نهاد.

اراده‌ی خیر

در بحث اراده گفته شد که منظور از اراده تصمیم بر انجام کار است. کانت نیز منظور از اراده‌ی خیر را چنین بیان می‌کند: منظور از اراده‌ی خیر اراده‌ی انجام وظیفه و تکلیف است؛ و تصریح می‌کند که اراده‌ی که برای انجام تکلیف عمل می‌کند اراده‌ی خیر است.^۲ کانت برای این که ماهیت اراده‌ی خیر را روشن کند، انگیزه‌ی اعمال را مورد بحث قرار می‌دهد و سه انگیزه را برمی‌شمارد:

الف) افعالی که به جهت نفع و مصلحت شخص صادر می‌شوند؛

ب) افعالی که از سر تمایل بی‌واسطه انجام می‌شوند (منظور کارهایی است که میل و لذت فاعل، سبب انجام آن می‌شود)؛

ج) افعالی که به خاطر تکلیف انجام می‌شوند.

همچنین کانت سه معنی برای خیر بیان می‌کند:

^۱ - کانت، امانوئل، درس‌های فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه‌ی صانعی دره بیدی، منوچهر، صص ۷۹-۸۰.

^۲ - مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اسلامی، نگارش: شریفی، ص ۳۷۸.

الف) خیر به عنوان وسیله؛

ب) خیر برای من یا خیر من؛

ج) خیر اخلاقی.

با توجه به تعاریف‌های کانت از خیر و اراده‌ی خیر می‌توان نتیجه گرفت: اراده‌ی خیر که انگیزه‌ی کار اخلاقی است و از نظر او سبب اخلاقی شدن فعل می‌شود، اراده‌ای است که با انگیزه‌ی انجام تکلیف شکل می‌گیرد (در هر دو تقسیم، قسم سوم مورد توجه است؛ یعنی افعالی که به خاطر تکلیف و خیر اخلاقی انجام می‌شوند).

در توضیح خیر بودن و اراده‌ی خیر از دیدگاه کانت چنین آمده است: «اراده‌ی نیک و خیر، بدون قید و شرط، خیر است و تنها این اراده در جهان، بدون قید و شرط خیر است و سایر خیرها مشروط هستند؛ یعنی: اگر اراده‌ی خیر آنها را همراهی کند خیر می‌شوند، و اگر اراده‌ی خیر در کنار آنها نباشد خیر تلقی نخواهند شد، ولی اراده‌ی نیک همه جا و همه وقت نیک است، همچنین خیریت اراده‌ی خیر به خاطر نتیجه‌ی آن نیست بلکه فی‌نفسه است»^۱؛ زیرا ممکن است فردی با انگیزه‌ای بد کاری را انجام دهد و ناخواسته کار خوبی باشد. این نتیجه‌ی ناخواسته سبب نمی‌شود انگیزه‌ی آن فرد هم خوب شود. در نتیجه، کار خوب کاری است که با اراده‌ی خیر انجام شود، اگرچه نتیجه‌ی آن خوب نباشد؛ و کار بد کاری است که با نیت خیر انجام نشود، هرچند نتیجه‌ای خوب داشته باشد.

کانت معتقد بود خیر و شر با عقل درک و مشخص می‌شود، نه با احساس لذت و الم که امری شخصی است. اگر تشخیص خیر و شر امری شخصی و تجربه‌ی فردی باشد، نمی‌توان از آن ملاکی کلی برای همه‌ی آدمیان به دست آورد؛ زیرا خیر باید به گونه‌ای باشد که هر انسان

^۱- ر.ک: محمدرضایی، محمد، تبیین و نقد فلسفه‌ی اخلاق کانت، صص ۵۰-۵۱.

عاقلی آن را قبول داشته و شر نیز برای او ناپسند باشد.^۱
در ابتدای بحث اشاره شد که کانت برای روشن شدن معنای اراده‌ی
خیر از مفهوم تکلیف و وظیفه کمک می‌گیرد؛ لذا لازم است تکلیف از
دیدگاه کانت و رابطه‌ی آن با نیت بازشناسی شود.

تکلیف و رابطه‌ی آن با نیت، قوانین و اصول اخلاقی
کانت معانی متفاوت ولی به هم مرتبطی از تکلیف اراده می‌دهد که عبارتند
از:

الف. تکلیف چیزی غیر از محدودیت اراده و ایجاب و الزام قانونی کلی
نیست؛

ب: کانت همه‌ی اعمال و غایاتی را که امر مطلق^۲ فرمان می‌دهد تکلیف
می‌نامد؛

ج: تکلیف، تنها محرک عمل اخلاقی است؛ و عبارت است از ضرورت
عمل کردن از سر احترام به قانون، بدون توجه به چیز دیگر.

با توجه به ارتباط عمیق این سه معنی می‌توان گفت: تکلیف (به
معنای اول) یعنی فرمان اخلاقی کلی این است که تکلیف را (به معنای
دوم) از سر انگیزه‌ی تکلیف (به معنای سوم) انجام دهد.^۳ آن‌چنان که از
تعریف فوق برمی‌آید، اگر کاری بخواهد اخلاقی باشد، باید نیت آن،
عمل کردن به تکلیف باشد؛ از این رو این دو در کنار هم مکمل فعل
اخلاقی هستند؛ یعنی یک طرف نیت است، و چنانچه نیت فرد مطابق با
نیت فعل اخلاقی نباشد، کار ارزشمندی خود را از دست می‌دهد. طرف

^۱ - همان، فصل دوم و سوم.

^۲ - کانت معتقد است یک اصل کلی اخلاقی وجود دارد که با عقل عملی درک می‌شود و این اصل
همه‌ی وظایف اخلاقی ما را مشخص می‌کند. وی چنین توضیح می‌دهد که: چنان عمل کن که گویی
قرار است، این رفتار تو، به اراده‌ی تو یکی از قوانین عام طبیعت شود.

^۳ - محمدرضایی، محمد، تبیین و نقد فلسفه‌ی اخلاق کانت، ص ۷۷.

دیگر تکلیف است؛ یعنی: باید بداند چه تکلیفی بر عهده‌ی اوست تا نیت خود را مطابق با آن تنظیم کند. در نتیجه، کار اخلاقی نیاز به زیربنایی دارد که آن نیت ادای تکلیف است. در واقع می‌توان گفت: ماهیت احکام اخلاقی از دیدگاه کانت این‌گونه است که «او به دنبال کشف ضابطه‌ای است تا به واسطه‌ی آن حکم اخلاقی را از احکام دیگر جدا سازد. از این رو مسأله‌ی حسن نیت و اراده‌ی خیر را مطرح می‌کند که منشأ عقلانی دارد. او می‌گوید که این مهم به کمک عقل به دست می‌آید. به این صورت که شخص، به واسطه‌ی عقل، خود را مکلف می‌یابد و سپس به دنبال ادای تکلیف می‌رود؛ و اراده‌ی خیر همان عزم و اهتمام نسبت به ادای تکلیف است؛ و معنای تکلیف با عنصر اطاعت روشن می‌شود؛ به این شکل که ماهیت واقعی تکلیف زمانی محقق می‌شود که شخص به واسطه‌ی اطاعت محض از عقل، خود را از قید تمایل، که همیشه با تکلیف در تعارض است، آزاد کند. اطاعت از عقل نیز اطاعت از قانونی است که عقل به صورت مطلق، به آن حکم می‌کند. در نهایت، تکلیف مطیع قانون بودن و احترام به قانون گذاشتن است.»^۱

کانت معتقد است عملی که با انگیزه‌ی ادای تکلیف صورت می‌گیرد، عملی است که از احترام به قانون ناشی می‌شود. از نظر او رابطه‌ی نیت و قوانین اخلاقی رابطه‌ای تنگاتنگ و ناگسستی است که اگر عملی بخواهد اخلاقی باشد؛ باید نیت آن ادای تکلیف باشد؛ و تکلیف نیز احترام به قانون است. در نتیجه، رفتارهایی که از سر احترام به قانون و با نیت و انگیزه‌ی احترام به قانون انجام شود اخلاقی و دارای ارزش اخلاقی است. از این‌رو می‌توان گفت: نیت، تکلیف و احترام به قانون در دیدگاه کانت حلقه‌های زنجیری هستند که انسان را به عمل

^۱ - ر.ک: مجتهدی، کریم، فلسفه‌ی نقادی کانت، ص ۱۰۸.

اخلاقی می‌رسانند.

احترام به قانون از نکته‌های اساسی است که کانت بر آن تأکید دارد. در توضیح این نکته می‌توان گفت: «احساس احترام نسبت به چیزی ناشی از تمایل و عدم تمایل به آن نیست، بلکه ناشی از حس بسیطی است که منشأ تجربی ندارد و مفهوم محض است و به صورت ما تقدم شناخته می‌شود و به واسطه‌ی آن، حس تعالی و تفوق به انسان دست می‌دهد. این حس نیز منحصر به انسان است»^۱ بنابراین، دیدگاه کانت درباره‌ی نیت اخلاقی چنین خلاصه می‌شود که فعل اخلاقی باید به همراه نیت اخلاقی باشد. نیت اخلاقی ناشی از اراده‌ی خیر است و اراده‌ی خیر، انگیزه‌ی انجام فعل مطابق با تکلیف و از سر احترام به قانون است. در نتیجه، کاری که با نیت ادای تکلیف و از سر احترام به قانون انجام شود یک کار اخلاقی است.

۲. بررسی دیدگاه اسلام

در این بررسی، ابتدا معنای نیت در این مکتب بیان می‌شود؛ و در ادامه، درجات نیت و مراتب آن تبیین می‌شود. سپس بحثی درباره‌ی حسن فعلی و حسن فاعلی که به بحث نیت مربوط بوده و در کتاب‌های اخلاق اسلامی بر آن تأکید شده، ارائه می‌شود؛ و در پایان نیز نیت در قرآن و اکاوی می‌گردد.

نیت

در اسلام اخلاقی بودن کار و ارزشمندی هر فعلی به نیت آن بستگی دارد. البته نیت نه تنها در کار اخلاقی بلکه در جای جای زندگی انسان و در هر فعلی از انسان به صورت برجسته مورد توجه است. از امور شخصی تا امور اجتماعی و از اعمال عبادی تا کارکردهای اخلاقی همه

^۱- همان.

و همه تحت تأثیر نیت است.

نکته‌ی قابل توجه در این بحث این است که نیت به معنای محرک و انگیزه برای همه‌ی افعال اهمیت دارد، ولی آنچه در این نوشتار مورد توجه است نیتی است که وجهه‌ی اخلاقی به کار می‌بخشد و آن را دارای ارزش اخلاقی می‌کند.

در اسلام این امر با اضافه کردن انگیزه‌ی الهی و قصد قربت و نیت امتثال اوامر الهی تحقق می‌یابد.

عبادات و امور اخلاقی از جهت نیت مانند سایر افعال اختیاری انسان هستند و فرق آنها با سایر اعمال و افعال اختیاری همان قصد قربت و اطاعت است. در نتیجه، مقوم عبادات و امور اخلاقی، نیت اخلاقی است که برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

طبق تعریفی که در بحث نیت آمد، دو معنای مکمل برای نیت در نظر گرفته شد (نیت به معنای تحقق بخش عنوان عمل و به معنی انگیزه و داعی بر عمل)؛ از این رو نیت باید هم انگیزه و محرک برای عمل باشد و هم حرکات و رفتار انسان را به عنوان عمل عبادی و اخلاقی تحقق بخشد. مثلاً برای ادای نماز، هم باید حرکاتی را که انجام می‌دهد به قصد نماز باشد و هم قصد قربت و امتثال امر الهی را داشته باشد؛ آن چنان که در *عروة الوثقی* در تعریف نیت آمده است: «نیت، قصد برای انجام فعل با عنوان امتثال و قربت است».^۱ کلمه‌ی قرب به معنای نزدیک شدن است و در اصطلاح این معنی مد نظر است:

«انسان با انجام اعمال و افعال شایسته که ناشی از ایمان و همراه با تقوا و پرهیزکاری است، درون و روح خود را به درجات بالاتری از مراتب وجود برساند و استعداد روحی خود را بالا ببرد، به گونه‌ای که وجود خود را با علم حضوری درک کند و در ضمن آن وابستگی

^۱ - طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *عروة الوثقی*، ص ۲۰۸.

کامل خود را به خداوند با علم حضوری دریابد. آنچه موجب قرب به خداوند می‌شود اعمالی است که ناشی از ایمان به خدا و معاد و نبوت، همراه با تقوا صورت بگیرد.^۱

درجات نیت

همان‌طور که گذشت، در اسلام کاری اخلاقی و ارزشمند است که برای جلب رضای خداوند صورت بگیرد. البته انسان‌ها با توجه به معرفت و شناختشان از خداوند نیت‌هایشان نیز متفاوت است.

علامه‌ی مجلسی در این خصوص می‌گوید: نیت‌ها و مقاصدی که موجب کمال عمل می‌شود و از اغراض دنیوی خالی است، به تناسب اشخاص و احوال ایشان مختلف است و نیت هر کس تابع حالت باطنی اوست؛ از جمله:

۱. نیت کسانی که عبادت خود را برای ترس از عذاب انجام می‌دهند و دنیا در نظرشان کوچک و حقیر است؛
۲. کسانی که محرک آنها نعمت‌های بهشت و حور و قصور است؛
۳. کسانی که نعمت‌های خداوند را مشاهده می‌کنند و به دنبال آن برای سپاسگزاری او را عبادت می‌کنند؛ چون شکر منعم را واجب می‌دانند؛
۴. کسانی که خداوند را مطلع بر آشکار و نهان خود می‌دانند و به واسطه‌ی حیا و شرمساری خداوند را عبادت می‌کنند؛
۵. کسانی که خدا را به قصد تقرب عبادت می‌کنند. منظور از قرب معنوی، کسب مراتب والایی از کمال است که از نقائص خود کاسته، به کمال مطلق نزدیک‌تر شوند؛
۶. کسانی که خداوند را اهل و شایسته‌ی عبادت و بندگی می‌دانند؛ لذا او را عبادت می‌کنند؛

^۱- ر.ک: رجبی، محمود، انسان شناسی، ص ۲۰۴.

۷. کسانی که برای محبت و از سر عشق و علاقه به خداوند او را عبادت می‌کنند؛ که این قسم از بالاترین درجات مقربان است.^۱

در توضیح اقسامی که بیان شد می‌توان گفت: مورد اول و دوم در خصوص اکثر مردم صادق است. معمولاً عموم مردم بیشتر از این مقدار را درک نمی‌کنند و نمی‌توانند شناختی بالاتر از این را نسبت به خداوند داشته باشند؛ زیرا کسب مراتب بالاتر نیازمند طی مراحل کمال است که انسان‌ها اغلب از آن غافل هستند. البته این نوع از نیت‌ها نیز با اخلاص منافات ندارد؛ زیرا آیاتی وجود دارد که بدان تصریح می‌کند و توضیح آن در ادامه خواهد آمد. مورد ششم - یعنی: افرادی که خدا را شایسته‌ی عبادت می‌دانند و در پی آن خدا را پرستش می‌کنند - مقامی والا است که هرکسی نمی‌تواند آن را ادعا کند و شایسته‌ی افرادی همچون امیرالمؤمنین است که اگر خداوند هیچ تهدید و ترغیبی در خصوص عقاب و پاداش هم نداشت، باز به عبادت و اطاعت او می‌پرداختند؛ لذا از برترین درجات نیت محسوب می‌شود.

حسن فعلی و حسن فاعلی

کارهای اختیاری که از انسان صادر می‌شود دارای دو جزء است:

۱. ظاهر عمل و نمود خارجی آن؛

۲. پشتوانه‌ی معنوی فعل که همان نیت است.

از این‌رو کاری نیکو و مقبول است که هم از جهت ظاهر و باطن و هم از جهت نیت مقبول و نیکو باشد کار اخلاقی کاری است که هم نیت آن در جهت جلب رضای خداوند بوده، هم نوع فعل از جمله کارهای پسندیده باشد؛ از این‌رو اگر کاری ناپسند با نیت خیر و یا کاری پسندیده با نیت سوء انجام گیرد، کار ارزشمند و اخلاقی

^۱- ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۰۸.

محسوب نمی‌شود؛ زیرا حسن فعلی و فاعلی دو ستونی هستند که هر دو با هم کار اخلاقی را شکل می‌دهند و در صورت نبودن یکی از آن دو کار اخلاقی تحقق نمی‌یابد و نتیجه‌ی مطلوب که همان کار اخلاقی است حاصل نمی‌شود.

البته نکته‌ی قابل توجه این است که مسلماً حسن فاعلی برتری ویژه‌ای نسبت به حسن فعلی دارد؛ همان‌طور که در روایت آمده است: «النية أساس العمل»^۱؛ نیت پایه‌ی عمل است. تا کاری زیر بنای محکمی نداشته باشد، نتیجه‌ای مطلوب و مقبول نمی‌تواند داشته باشد. مانند ساختمانی که تا پایه و بنیانی مستحکم نداشته باشد، هرچند ظاهری زیبا داشته باشد، بنایی قابل اعتماد نخواهد بود؛ زیرا ممکن است فرو بریزد و نابود شود. کار نیکی هم که با نیت صحیح صورت نگرفته باشد قابل اعتماد و مورد قبول نخواهد بود؛ زیرا ممکن است در بین راه به علت نداشتن نیت درست از انجام آن صرف نظر شود، یا این که به شکل‌های مختلف ارزش و اعتبار کار از بین برود؛ مخصوصاً که در کار اخلاقی، اخلاص در نیت مورد توجه است.

«اخلاص» خالص کردن نیت از هر چیزی است که رنگ و بوی غیر خدایی دارد و این مهم‌ترین عاملی است که در همه‌ی مراحل کار، از نیت و قصد تا پایان آن باید در نظر گرفته شود. همچنین منت نگذاشتن پس از انجام کار اهمیت بسیار دارد: **لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى**^۲؛ بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید.

پس در اسلام یک عمل با داشتن دو ویژگی ارزشمند است: هم باید از ابتدا دارای نیت خیر و درستی باشد؛ و هم پس از عمل باید از آسیب‌های مختلف همچون: منت نهادن و آزار رساندن محافظت شود تا

^۱ - رسولی محلاتی، سیدهاشم، ترجمه و شرح غررالحکم و درر الکلم آمده‌ی، ج ۲، ص ۵۲۴.

^۲ - بقره / ۱۶۴.

ارزش اخلاقی آن پایدار بماند.

شاید بتوان گفت، این که در اسلام برای موضوع نیت اهمیتی ویژه قائل شده‌اند، به این دلیل است که نیت پشتمانی علمی و فکری کار است؛ زیرا برای انجام کار اختیاری از اراده کمک گرفته می‌شود و هر جا که اراده باشد از عقل نیز سخن به میان خواهد آمد. عقل و علم ملازم یکدیگرند؛ یعنی: اگر کاری ارادی و اختیاری انجام شود، لازمی آن علم و آگاهی است. انسان برای انتخاب یک شیء یا گرایش به یک میل نیازمند نقد و بررسی دلایل و عوامل موجود است. در نتیجه برای انتخاب مقدمه‌ای علمی لازم دارد. هرچه علم و آگاهی فرد عمیق‌تر و سالم‌تر باشد، نیت‌هایی که برای افعال خود در نظر می‌گیرد قوی‌تر و پرمایه‌تر خواهد بود. پشتمانی قوی نیت انسان را برای عمل مصمم‌تر می‌گرداند تا همه‌ی تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار گیرد. هرچه نیت با ارزش‌تر و مقبول‌تر باشد، عمل نیز از اعتباری بالاتر برخوردار است. از امام علی نیز روایت شده است که فرموده‌اند: «صلاح العمل بصلاح النیة»^۱؛ شایستگی عمل به شایستگی نیت وابسته است. اگر نیت در هر کاری نیکو و پسندیده باشد، عمل را در مسیر صلاح و نیکی پیش می‌برد.

در روایتی دیگر حضرت علی می‌فرماید: «لَا يَكْمُلُ صَالِحُ الْعَمَلِ إِلَّا بِصَالِحِ النِّيَّةِ»^۲؛ شایستگی عمل جز به شایستگی نیت کامل نمی‌شود. این روایت به اهمیت بیشتر حسن فاعلی اشاره دارد. از آنجا که محرک واقعی فرد برای حرکت نیت است، کامل بودن نیت به کامل شدن فعل منجر می‌شود. همچنین حضرت علی می‌فرماید: «رُبَّ عَمَلٍ أَفْسَدَتْهُ

^۱ - رسولی محلاتی، سید هاشم، ترجمه و شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۲، ص ۵۲۵.

^۲ - همان، ص ۵۲۷.

النیة»^۱ بسا عملی که نیت آن را فاسد و تباه می‌کند. ممکن است کاری پسندیده باشد، ولی نیت صحیحی آن را همراهی نکند؛ لذا ارزش آن را از بین ببرد. پس می‌توان نیت را، همچنان که در روایات نیز به آن اشاره شد، منبع فعل و پشتوانه و اساس عمل دانست.

نیت در قرآن

برخی مفسران ذیل آیه ی **كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖ**^۲ (هر کس بر طبق نیت خود عمل می‌کند) گفته‌اند که آیه می‌گوید: نیت فعل نوع فعل را مشخص می‌کند و هر کس بنا بر نیتی که از ضمیر او ناشی می‌شود عمل می‌کند.

در تفسیر آیه‌ی شریفه فوق آمده است: «این آیه اشاره به اتحاد نیت و عمل دارد».^۳

همچنین در یک روایت از امام صادق آمده است: «نیت از عمل بهتر است؛ و اصلاً نیت عمل است»؛ و در ادامه این آیه را قرائت فرمودند.^۴

در تفسیر نمونه نیز به این نکته اشاره شده است که «نیت از اعتقادات برمی‌خیزد و به عمل شکل می‌دهد؛ و اصولاً خود نیت یک نوع شاکله (یعنی امر مقید کننده) است. از این رو گاهی نیت را به خود عمل تفسیر کرده و گاه آن را برتر از عمل شناخته‌اند؛ چرا که به هر حال، خط عمل از خط نیت منشعب می‌شود»^۵؛ لذا می‌توان گفت: نیت به هر سمت و سویی که باشد عمل نیز در همان مسیر خواهد بود.

نیت مانند پایه‌ای است که عمل بر آن استوار می‌شود و صلابت عمل

^۱ - همان، ۵۲۵.

^۲ - اسراء / ۸۴.

^۳ - طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمدباقر، ج ۱۳، ص ۲۹۳.

^۴ - کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه: کمره‌ای، محمدباقر، ج ۳،

^۵ - جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۴۸.

به استحکام و سلامت نیت بستگی دارد؛ البته با توجه به انگیزه‌ها و انواع نیت‌هایی که مردم به تناسب شناخت خود از خداوند دارند، می‌توان آیاتی را که بر تشویق و ترغیب و همچنین تهدید و انذار دلالت دارد مربوط به نیت دانست؛ زیرا برخی از این آیات به روشنی اشاره دارد که خدا را از روی ترس و امید بخوانید **أَدْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا**^۱؛ یعنی: خداوند را با بیم (از عذابش) و امید (به بخشش) بخوانید. این مطلب صراحت دارد که اگر کسی خدا را به نیت دوری از سخط و خشم او و یا به نیت عفو و بخشش یا امید بهشت و پاداش پرستش کند، به هدف خود خواهد رسید و عمل او مورد قبول است.

همچنین برخی از آیات رسیدن به پاداش و دست یافتن به بهشت را به عنوان محرک و انگیزه معرفی کرده‌اند؛ مانند آیه **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى** **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ**^۲، خداوند از مؤمنان جان و اموالشان را به بهای بهشت خریداری کرده است.

خداوند در این آیه مسلمانان را با وعده‌ی بهشت تشویق می‌کند تا در راه خدا با جان و مالشان پیکار کنند. این مطلب تأییدی است بر این که ضمیمه کردن این گونه نیت‌ها به قصد تقرب به خداوند، فعل را از اخلاقی بودن تهی نمی‌کند و چنین فعلی همچنان مقبول در گاه خداوند است.

خداوند در آیات زیادی به تشریح نعمت‌های بهشتی پرداخته، انسان‌ها را برای رسیدن به آنها برمی‌انگیزد و به کار خیر و عمل اخلاقی رهنمون می‌شود. در آیه‌ای می‌فرماید: **وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا**^۳؛ و هر که از مرد و زن

^۱- اعراف / ۵۶.

^۲- توبه / ۱۱۱.

^۳- نساء / ۱۲۴.

کاری شایسته کند در حالی که با ایمان باشد، به بهشت درآید و به قدر نقیری (پرده‌ی هسته‌ی خرما) به وی ستم نکنند.

در آیات دیگری با استفاده از واژه‌ی بشارت می‌فرماید:

و يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا^۱؛ و (خداوند)

مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند به پاداشی نیکو بشارت می‌دهد.

و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا^۲؛ (ای پیامبر) کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری پیشه کردند به باغ‌هایی که از زیر (درختان) آن‌ها نهرها جاریست، بشارت ده!

این آیات نمونه‌ای از آیات بشارت در قرآن است که خداوند در آنها به نیکوکاران پاداش را وعده داده است تا انگیزه‌بخش مردم برای انجام کار خیر و پسندیده باشد.

در مقابل، آیات متعددی در بردارنده‌ی تحذیر از عذاب الهی و بازگوکننده‌ی عذاب‌های جهنم هستند تا افرادی را که با وعده‌ی بهشت به سوی کار خیر مایل نشده‌اند با ترساندن از عذاب هشیار کرده، به سوی هدایت و خیر راهنمایی کند.

زان حدیث تلخ می‌گویم تو را تا ز تلخی‌ها فرو شویم تو را

در پایان این بخش به این نکته اشاره می‌شود که علت این شیوه از تحریک و انگیزه‌بخشی که در قرآن بیشتر به چشم می‌خورد آن است که اکثریت مردم در این مرحله از درک و شناخت به سر می‌برند.

ج: شباهت‌ها، تفاوت‌ها و قضاوت

پس از بیان دیدگاه‌های هر دو مکتب درباره‌ی نیت اخلاقی، لازم است نقاط اشتراک و تمایز بین دو مکتب بیان شود. در پایان هم

^۱- کهف / ۲.

^۲- بقره / ۲۵.

نتیجه‌ای که از این مقایسه حاصل می‌شود ارائه می‌گردد.

۱. شباهت

مسأله‌ی نیت از جمله مسایل مهم در دو مکتب است. در مکتب اسلام و در دیدگاه کانت، نیت از ارکان اساسی فعل اخلاقی است و نبود آن را خدشه به اخلاقی بودن فعل می‌شمارند.

حسن فعلی در کنار حسن فاعلی دو جزء تشکیل‌دهنده‌ی فعل اخلاقی‌اند؛ و البته آنچه در هر دو مکتب مورد توجه است اهمیت و اولویت حسن فاعلی است.

کار خوب بدون داشتن نیت خوب فعل اخلاقی محسوب نمی‌شود و از جهت اخلاقی ارزشمند نخواهد بود.

۲. تفاوت

در این دو مکتب نیت بر اساس فلسفه و اعتقاد هریک از دو دیدگاه معاشناسی شده و هدف آن مطابق با اعتقادات هر مکتبی تبیین شده است.

«اخلاقی که مورد نظر کانت است دارای ویژگی‌هایی است و نیت نیز بر همین نگرش خاص مبتنی است. در این دیدگاه اخلاقی مورد توجه است که نه بر مابعدالطبیعه (اعم از فلسفی و دینی) مبتنی است نه بر علم و نه برگرفته از مشاهدات روان‌شناسی است.

کانت اخلاق را مستقل فرض کرده و معتقد است: «اخلاق خود بنیانگذار اصول خود است. او منشأ اخلاق را عقلی می‌داند که ما بین طبیعت و مابعدالطبیعه قرار دارد».^۱ کانت بر این باور است که عقل سبب می‌شود ما خود را دارای تکلیف بدانیم. از لحاظ اخلاقی نیز فعل اخلاقی باید مطابق با همان تکلیف و نیت آن نیز صرفاً ادای تکلیف باشد.

^۱- ر.ک: مجتهدی، کریم، فلسفه‌ی نقادی کانت، ص ۱۰۷.

اما در اسلام منشأ اخلاق مابعدالطبیعه است. مابعدالطبیعه ای که منشأ الهی دارد و تحت سیطره ی خداوند است. با توجه به آیه ی **إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**^۱ (ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم). «مابعدالطبیعه هم مبدأ و هم مقصد است و دنیا و آخرت در هم تنیده است؛ لذا هر فعلی در این دنیا منشأ اثری در آخرت است. در این میان افعال اخلاقی نیز اثرات تکوینی خود را در جهان دیگر خواهند داشت؛ از این رو فعل اخلاقی که نیتِ قرب به خدا را داشته باشد انسان را در منزلتی قرار می دهد که یکی از آثار آن استفاده از نعمت های الهی و بهره مندی از سعادت و دوری از شقاوت است.

لذا می توان گفت تفاوت اصلی این دو مکتب در منشأ اخلاق است که کانت منشأ اخلاق را خود اخلاق می داند، ولی اسلام منشأ اخلاق را دستورات و قوانین الهی بیان می کند. این دیدگاه ثمرات خود را در نیت این گونه نشان می دهد که کانت نیت اخلاقی را فقط تکلیفی می داند که ناشی از دریافت عقل باشد، ولی اسلام نیتی را اخلاقی می داند که به قصدِ تقرب خداوند و عبادت او انجام شود.

نکته ی دیگری که از جمله تفاوت های این دو مکتب می توان برشمرد مسأله ی غایت اندیشی برای فعل اخلاقی است. کانت هر گونه غایتی جز ادای تکلیف را برای فعل اخلاقی نفی می کند و نیت اخلاقی را صرفاً به جهت ادای تکلیف و از سر احترام به قانون قابل توجه می داند اما اسلام انگیزه های خوب و پسندیده ای را که همسو با اهداف الهی و به قصد قرب به خداوند باشند از جمله محرک های فعل اخلاقی می داند. انسان ها می توانند کارهای شایسته را با انگیزه های متفاوت، از جمله کمک به دیگران، رسیدن به سعادت، کمال خواهی، محبت به هم نوع و... به قصد قرب به خداوند انجام دهند و از نتیجه ی آن بهره مند شوند.

^۱ - بقره / ۱۵۶.

قابل توجه است که هریک از این دیدگاه‌ها پیامدها و آثاری را به همراه دارد که در عملکرد پیروان و گرایش به امور اخلاقی تأثیرگذار است. براساس نگرش مکتب کانت، انگیزه و امید چندان درخشش و ظهور نخواهد داشت و فضای محدودی پیش روی انسان خواهد بود که باید در آن محیط قدم بردارد و فراتر از آن نرود، تا بتواند اخلاقی عمل کند؛ از این رو شادابی و نشاط در پی آن نخواهد بود و طراوتی را که امید به زندگی اخلاقی انسان‌ها به دنبال خواهد داشت از صحنه‌ی ذهن افراد محو می‌کند. به این شکل که فرد کار اخلاقی را فقط از روی تکلیف انجام دهد و نه به قصد بهره‌مندی از عواقب خوش آن و نه به امید رسیدن به کمال و سعادت؛ چون این امور اخلاقی بودن فعل را زیر سؤال می‌برد.

اما اسلام با توجه به اختلاف انسان‌ها از نظر شناختی و با توجه به سلیق مردم انگیزه‌های متنوع و متعددی را مطرح کرده است. این امر سبب می‌شود افراد با انگیزه‌های متفاوت و به امید کسب رضایت خداوند و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، دوری جستن از عذاب و ... در مسیر اخلاق قدم بردارند و در پرتو آن خود را به درجات بالاتری از انسانیت برسانند و رضایت خداوند را برای خود کسب کنند. چنین دیدگاهی انگیزه‌ی رسیدن به هدف را بیشتر کرده، ضمانت اجرای فعل اخلاقی را از درون بالا می‌برد و مشوق افراد برای اخلاقی عمل کردن می‌شود. البته در مواردی هم که محرک درونی وجود ندارد یا کم‌رنگ است، خداوند با بیان این که فعل غیر اخلاقی چه نتیجه‌ای به دنبال دارد و فعل اخلاقی چه پاداشی در پی دارد، محرک بیرونی برای قدم گذاشتن در مسیر اخلاقیات را فراهم می‌کند.

مطلب دیگری که در اینجا قابل ذکر است همان محدودیت دایره‌ی نیت فعل اخلاقی در مکتب کانت است که حالتی نامنعطف دارد و برای

همگان قابل درک نیست. این امر سبب می‌شود افراد اندکی به سوی فعل اخلاقی جذب شوند. شاید بتوان گفت جزم‌اندیشی که در این مکتب نهفته است باعث طرد افراد زیادی از آن می‌شود و تمایل اخلاقی بودن و اخلاقی عمل کردن را از انسان‌ها دور می‌کند.

در مقابل این دیدگاه، دیدگاه اسلامی قرار دارد که با توجه به درجات مردم و بهره‌مندی آنها از درک مطالب اخلاقی و امور معنوی و با آگاهی از انواع اندیشه‌های حاکم بر بشر، اموری را به عنوان محرک برای انسان‌ها قرار داده است که اکثر مردم را بتوان به سوی اخلاقیات و افعال اخلاقی هدایت کرد. همچنان که در بحث درجات نیت مطرح شد، از وعده‌ی بهشت تا انذار از عذاب، رسیدن به کمالات و راه یافتن به جوار رحمت الهی، همه از محرک‌هایی است که دین اسلام برای افعال اخلاقی قرار داده است تا به قصد تقرب الهی، در راه اخلاقی عمل کردن قدم بردارند.

۳. قضاوت

کانت در مباحث فلسفه‌ی اخلاق به موضوع نیت اشاره کرده است که نقطه‌ی عطفی برای مکتب او محسوب می‌شود زیرا صرف خوب بودن کار اخلاقی را برای ارزشمند دانستن آن کافی ندانسته است و به دنبال ریشه‌ای برای آن می‌گردد. ممکن است فردی کاری خوب انجام دهد، ولی قصد او عملی غیر اخلاقی باشد. این که ظاهر فعل نیکو و پسندیده باشد کافی نیست، باید به درون رهنمون شد و از باطن او جستجو کرد که چه انگیزه‌ای موجب بروز و ظهور این فعل شده است. آیا نیت غیر اخلاقی در پس این ظاهر نیکو وجود دارد، یا درون آن از زیبایی تهی و از سیاهی و تاریکی آکنده است؟

اما از آنجا که به نهایت و غایتی صحیح توجه نکرده است، می‌توان او را نقد کرد. این که غایت فعل اخلاقی اطاعت از وجدان باشد و هر نوع غایت و هدف دیگری همچون خیرخواهی برای دیگران رسیدن به

سعادت و کمال ارزشمندی فعل اخلاقی را از بین می‌برد، از نقاط ضعف نظریه‌ی اوست؛ زیرا هر نیت خوبی می‌تواند انگیزه و محرک کار خوب باشد و البته باعث تحریک برای روی آوردن بیشتر به سوی این افعال است.

مکتب اسلام با در نظر گرفتن طبقات مختلف مردم و شناخت و معرفت آنها نسبت به خداوند و امور اخلاقی و ارزشمند، محرک‌های مختلفی را متناسب با هر طبقه در نظر گرفته است؛ و این از نقاط برجسته‌ی تعالیم اسلامی است که برای هدایت افراد و هموار کردن راه عموم مردم برای رسیدن به تعالی، به میزان درک و فهم مخاطبان توجه کرده است.

اگر خداوند پاداش بهشت را برای انجام برخی کارها قرار داده است و برای برخی کارها عذاب را وعده داده، از این‌روست که فهم گروهی در حد برخورداری از این نعمت‌هاست و برخی را نیز جز تهدید و عقاب و عذاب، هوشیار و آگاه نمی‌کند.

این امور فقط برای روشن کردن مسیر حق از باطل است؛ زیرا با وجود این وعده‌ها و وعیدها انسان‌ها با توجه به عقل و اختیاری که دارند دست به عمل می‌زنند و آزادانه به انجام یا ترک کاری اقدام می‌کنند. البته مرتبه‌ی اعلا‌ی انگیزه، که عبادت خداوند به خاطر خداوند و همچنین محبت خداوند است، مطلبی نیست که برای همه‌ی مردم قابل فهم باشد و بخواهند در پی آن به امور اخلاقی و عبادی روی آورند؛ لذا اکثر مردم کارهای اخلاقی خود را با نیتی که بالاترین درجه اعتبار و ارزشمندی را داشته باشد انجام نمی‌دهند. اما این که برای انگیزه‌ها حد اعلی وجود دارد موجب آن نمی‌شود که دیگران از مسیر پر برکت رسیدن به خداوند باز بمانند؛ از این‌رو خداوند این محرک‌ها و انگیزه‌های فرعی را قرار داده است تا به هر نحو، افرادی که

کوچک‌ترین زمینه‌ی هدایت و سعادت در آنها دیده می‌شود در این مسیر قرار گیرند. البته هرکس به اندازه‌ی ایمان و اعتقادش - که منشأ اصلی نیت است - به کارهای اخلاقی می‌پردازد و به اندازه‌ی نیتش از لذت‌های معنوی برخوردار می‌شود و از دریای بی‌کران فیوضات الهی بهره می‌برد.

د: نتیجه

نکته‌ی پایانی در این بررسی به عنوان نتیجه این است که «کانت» دایره‌ای محدود برای فعل اخلاقی در نظر گرفته است که طبعاً برای افراد جاذبه‌ی کمتری دارد و نمی‌تواند محرکی توانمند برای اخلاقی عمل کردن باشد، اما اسلام با در نظر گرفتن ابعاد مختلف نیت و توجه به درجات شناختی مردم و قرار دادن محرک‌های گوناگون، بستری را برای تمام انسان‌ها فراهم کرده است تا افراد با انجام افعال اخلاقی خود را در مرتبه‌ای از تقرب به خداوند قرار دهند و به این وسیله زمینه‌ی پیشرفت خود را در راه کمال و رشد معنوی مهیا کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجان، مسعود و سالاری فر، محمدرضا، روان‌شناسی عمومی، قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۷ ش.
۳. اخوان، محمد، مقایسه‌ای میان اخلاق کانت و اخلاق اسلامی، قم: اشراق، ۱۳۷۳ ش.
۴. جمعی از نویسندگان، (بی‌تا)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی‌جا،
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه‌ی دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ ش.
۶. رجیبی، محمود، انسان‌شناسی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۷. رسولی محلاتی، سید هاشم، ترجمه و شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، تهران: فرهنگ معارف اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۸. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورش نوین، تهران: دوران، ۱۳۸۶ ش.
۹. شُبْر، عبدالله، اخلاق، ترجمه: جباران، محمدرضا، قم: هجرت، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، (بی‌تا)، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی اسلامی، سید محمد باقر، بی‌جا.
۱۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروۃ الوثقی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ هـ.ق.
۱۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، (بی‌تا). ترجمه‌ی اربعین شیخ بهایی، قم: نوید اسلام.
۱۳. غرویان، محسن، فلسفه‌ی اخلاق، قم: پیک جلال، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. کانت، امانوئل، ترجمه: صانعی دره‌بیدی، منوچهر، درس‌های فلسفه اخلاق، تهران: نقش و نگار، بی‌جا، ۱۳۸۰ ش.

۱۵. کلینی، محمد، ترجمه: کمره‌ای، محمدباقر، اصول کافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، لبنان: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۷. مارشال یو، جان، انگیزش و هیجان، ترجمه: سید محمدی، یحیی، تهران: ویرایش، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. مجتهدی، کریم، فلسفه‌ی نقادی کانت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. محمدرضایی، محمد، تبیین و نقد فلسفه‌ی اخلاق کانت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. مشکینی، علی، درس‌های اخلاق، ترجمه: فیض، علی‌رضا، قم: پارسیان، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم: اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۴ ش.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، تحقیق و نگارش: شریفی، احمد حسین، نقد و بررسی مکاتب اسلامی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام‌خمينی، ۱۳۸۴ ش.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی